



نظر سال

در خصوص فضای مجازی امسال حرف و حدیث‌های زیادی شنیدیم. از مراجع تقلید گرفته تا شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و اساتید دانشگاه اظهاراتی اغلب با مواضع از پیش مشخص منفی و مثبت به سراغ این مقوله رفتند اما در این میان اظهاراتی کوتاه منتسب به رهبر انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی فضای مجازی منتشر شد که بسیار عمیق‌تر از کارشناسان، مسئله فضای مجازی را به مثابه «یک ابزار تمدن‌ساز» معرفی کرده بودند که مفهوم «حکمرانی» را در میان مفاهیم رایج ادبیات سیاسی دستخوش تغییر کرده است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «فضای مجازی یک مرحله تمدنی جدید ایجاد می‌کند. مثل انقلاب صنعتی که بخشی در بحث‌های تمدنی غرب شد. شاید هویت انقلاب و جامعه دستخوش تغییر شود. معنای آنها این است که تمام حوزه‌های ما را تحت تأثیر قرار دهند. جهان به یک جهان شبکه‌ای تبدیل شده که در آن بازیگران مختلف در کنار یکدیگر فعالیت می‌کنند. با توجه به این، مفهوم «حکمرانی» در جهان در حال تغییر است و چند شرکت بزرگ بین‌المللی فضای مجازی را آکه در واقع فضای حقیقی است [آ اداره می‌کنند. اخلاق، فرهنگ و اقتصاد آدر چنین شرایطی] دستخوش تغییر می‌شود.»



سخن نسنجیده سال

در کنار اظهارات متفاوتی که در سال ۹۶ روحانی اهتمام داشت پیرامون علوم انسانی ابراز نماید و با هر اظهار نظری، حواشیی آفرینی نماید اما صحبتی که ایشان در ۲۵ دی مینی بر «قابل نقد بودن ائمه معصومین» اظهار داشتند یکی از سخنان نسنجیده‌ای بود که صاحب‌نظران علوم اسلامی را به واکنش واداشت. رئیس‌جمهور در این تاریخ در همایش فعالان اقتصادی گفت: «وقتی پیامبر (ص) صحبت می‌کرد، طرف بلند می‌شد، رویه‌روی پیامبر (ص) و می‌گفت: «حرفی که داری می‌زنی نظر توست یا وحی است؟» اگر پیامبر (ص) می‌گفت: «ظلم من است، انتقاد می‌کرد و می‌گفت: «من قبول ندارم.» ما در زمان حکومت معصوم هم نقد داریم... اگر یک وقتی امام زمان (عج) ظهور کرد آن وقت هم می‌شود نقد کرد.» این اظهارات که بسیاری از کارشناسان معارف اسلامی و برخی مراجع دینی را نیز به واکنش واداشت از این حیث نسنجیده بود که اولاً روایتی که ایشان بیان کرد، از روایات غیر شیعی است که از قضا در ادامه این روایت که رئیس‌جمهور از خاطر برده، پیامبر گوینده سخن را مورد ذم قرار می‌دهد، ثانیاً اینکه این اظهارات نشان می‌دهد مشکل اشراف کم به علوم انسانی و اسلامی سبب می‌شود تا بدیهیات شیعی همچون عصمت ائمه در قول و عدم تفاوت در محتوای اقوال منتسب به ایشان و قول خداوند مطابق با نص آیه قرآن (و ما ينطق عن الهوى) او ما وحی الا یوحی) را فراموش نمایند.



پدر نهضت آزادی

ابراهیم یزدی، سال ۹۶ چشم از دنیا فروبست. گرچه عمده تلاش‌های غالب یزدی، فعالیت‌های سیاسی در دوران مبارزات علیه رژیم شاه و سال‌های بعد از انقلاب بوده است، اما به واسطه جایگاه دبیر کلی «نهضت آزادی» و پیشینه فکری او که جزو واپسین علمداران «نهضت آزادی» به شمار می‌رفت در سال‌های اخیر بارها در معرض گفت‌وگوی نشریات فرهنگی و فکری برای توضیح نوع نگرش این نهضت و شخص یزدی به مسئله «ملی گرایی» قرار گرفت. نهضت آزادی که در واقع استمرار جبهه ملی بود و توسط مصدق پایه‌ریزی شد، نخستین حزب ایرانی بود که بر مبنای اندیشه ناسیونالیسم به وجود آمد. انسجام مردم کشور، فارغ از قومیت‌ها، تعلقات فرهنگی و حتی مذهبی و نیز نگاهی صرفاً «حجانی» به بدین اسلام، در رأس اندیشه نهضت آزادی به دبیر کلی ابراهیم یزدی قرار داشت.



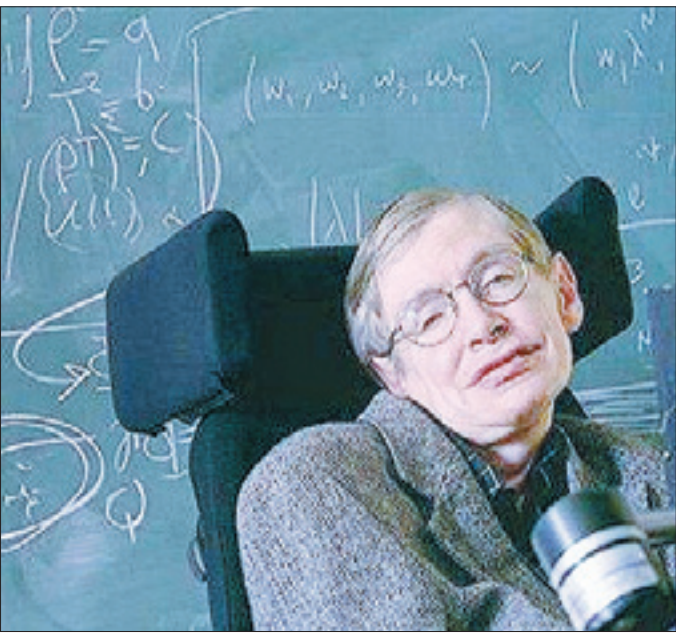
فیلسوف حیوانات

تام ریگان را می‌توان از معدود اندیشمندانی دانست که وجه همت غالب خود را نظریه‌پردازی فلسفی در حوزه‌های غیرانسانی و موضوعات زیست‌محیطی گذاشته بود. وی معتقد است هر موجودی که متعلق حیات باشد، ارزش ذاتی دارد. موجودی مصداق متعلق حیات است که تجربیات درونی و باطنی‌ای همچون باور، آرزو، درک مفهوم آینده و... دارد. چنانچه موجودی از چنین ظرفیتی بهره‌مند باشد، ارزش ذاتی دارد و باید با آن به احترام رفتار شود. از نظر ریگان به سبب آنکه حیوانات –حداقل پستانداران، پرندگان و ماهی‌ها– متعلق حیثیتند، ارزش ذاتی داشته‌اند و از حقوقی پایه همچون آدمیان برخوردارند و در برخورداری از حقوق پایه هیچ تمایزی میان انسان و حیوانات وجود ندارد.

یادبودهای سال

فیلسوف روبات‌ها

«هوبرت درایفوس» از چهره‌هایی فلسفه بود که اوایل امسال از دنیا رفت. درایفوس که به «فیلسوف هوش مصنوعی» مشهور بود، یکی از نظریه‌پردازان اصلی جهان معاصر در حوزه تکنولوژی‌های نوین به شمار می‌رفت. او را می‌توان منتقد «خرد مصنوعی» نامید چرا که در کتاب‌های به جا مانده از او مخصوصاً «آنچه کامپیوتر نمی‌تواند انجام دهد» و «قدرت شهود و تجربه انسانی در عصر رایانه» بر پایه مفروضات متعدد فلسفی، اظهارات بلندپروازانه مبنی بر تولید شبه‌انسان در قرن پیش رو تلاشی عبث دانست و «خرد آدمی» را غیر قابل بازآفرینی توسط تکنولوژی دانست. او معتقد بود هوش و مهارت‌های انسان در درجه اول بر غرایز ناخودآگاهانه او استوار است تا منطق سمبلی شده آگاهانه و هیچ‌گاه نمی‌توان توانایی‌های ناخودآگاهانه را در قالب فرمول‌های ریاضی تولید کرد. حتی او در کتاب «کیمیاگری و هوش مصنوعی» به صراحت هوش مصنوعی را به تمسخر گرفته بود و آن را با کیمیاگری مقایسه کرده بود؛ تلاش بی‌فایده برای تبدیل فلزات به طلا بر پایه فرضیات بی‌پایه و اساس و رؤیایرذاری‌های اساطیر گونه بدون تفکر صحیح. درایفوس را می‌توان یک سوپژکتویست دانست که اعتقاد داشت هیچ مجموعه‌ای از حقایق عینی خارج از ذهن بشر وجود ندارد.



مرگ پدر خداناپوران!

استیون هاو کینگ را شاید بتوان مشهورترین چهره علمی-فلسفی دانست که همین چند روز پیش به جهانی دیگر رفت که وجود آن را هرگز قبول نداشت. شهرت هاو کینگ به خاطر نظریات آنتیستی و نفی خدایپاوری باانکابه نظریات علمی بود. او که در واقع فیزیکدانی بود که اعتقاد داشت «پیش از آنکه ما علم را بفهمیم، طبیعی بود که به خلقت جهان توسط خدا باور داشته باشیم اما امروز علم توضیح متقاعدکننده‌تری ارائه می‌کند.» و با تکیه بر نظریات کوانتومی و علوم طبیعی سعی در توضیح پدیده خلقت داشت اما سرانجام خود را نیز نتوانست قانع کند و نهایتاً اظهار نموده بود علم نمی‌تواند صحت ادعای خدایپوران و مسائل متافیزیکی را تأیید یا رد کند. او که در جوانی مبتلا به بیماری ALS شده و توان حرکت اندام نداشت نهایتاً ۱۴ مارس امسال در گذشت.

روزنامه جوان در سالی که گذشت در یادداشت‌هایی به تاریخ ۲۹ آذر ۹۶ (مهیناک و خداناپوران) و ۲۶ آذر (بررسی نسبت «داروینیسیم» با «آنتیسم») به بررسی نظریات هاو کینگ و سایر نظریه‌پردازان و پایه‌گذاران آنتیسم مدرن و مقایسه آغاز عالم از نگاه خداناپوران و فلاسفه اسلامی پرداخته بود که از آرشبو اینترنتی روزنامه قابل مطالعه است.

خودکشی تئوریسین «جاودانگی سرمایه‌داری»

مارک فیشر را می‌توان یک نظریه‌پرداز و تبلیگر فلسفی و اجتماعی دانست که سال ۲۰۱۷ آخرین سال عمر او بود. او که در دانشگاه لندن فلسفه تدریس می‌کرد به دلیل حمایتش از نظام سرمایه‌داری معروف بود. در نظر فیشر سرمایه‌داری نه تنها یگانه نظام اقتصادی و سیاسی مرئی در جهان است، بلکه امکان تخیل یک بدیل مناسب را نیز مسدود کرده است. این ادعا در کتاب «نالیسم سرمایه‌دانه: آیا بدیلی در کار نیست؟» به تفصیل بسط داده می‌شود. نالیسم سرمایه‌داری در یک تعریف اختصاری

بدان معنی است که تنها ایده واقع‌گرایانه در دنیای معاصر که قابلیت اداره جامعه را دارد، کاپیتالیسم است. او در این کتاب و دیگر آثارش مدعی است این اصطلاح برای توصیف وضعیت ایدئولوژیک پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بسیار به کار می‌آید، وضعیتی که در آن منطق سرمایه‌داری حدود حیات سیاسی و اجتماعی ما را با تأثیرگذاری مستقیم بر حوزه فرهنگ و سبک زندگی روزمره ترسیم می‌کند. در نظر او، نتیجه یک‌تازی منطق سرمایه وضعیتی است که در آن شاید بتوان پایان جهان را تخیل کرد ولی پایان سرمایه‌داری را نه!

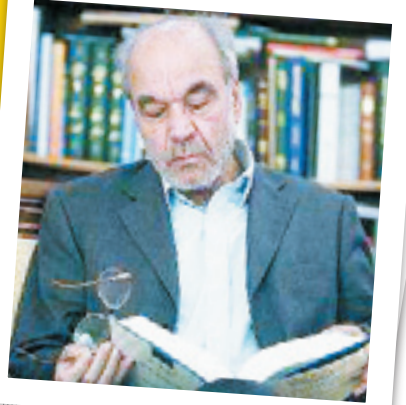
در حالی که فیشر در تئوری فلسفی خود، نظام بر خاسته از سرمایه‌داری را با نوعی ابدیت گره می‌زد، ابتدای سال میلادی که گذشت، در سن ۴۸ سالگی با خودکشی به زندگی‌اش پایان داد!



جنجال فلسفی سال

علم دینی، بودن یا نبودن!

اظهاراتی که داوری‌اردکانی درباره علم دینی در سال گذشته ابراز کرد، یکی از جنجالی‌ترین اظهارات در حوزه اندیشه و فلسفه بود که بسیاری از طیف‌های فکری را به واکنش برانگیخت. داوری‌اردکانی که در اظهارات صریح خود را در نامه‌ای خطاب به اعضای همایش علم دینی منتشر کرده بود، بیان داشته بود: «این بحث (اسلامی کردن علوم انسانی) چنانکه توجه دارد ۳۰ سال است که به نتیجه نرسیده است و به نظر نمی‌رسد که در آینده نیز به نتیجه برسد. وقتی مطلب سیاسی با مسئله علمی خلط می‌شود، هر چه بگویند به نتیجه نمی‌رسند. علم ماهیتی متفاوت با دین دارد و به این جهت آن را به صفت دینی نمی‌توان متصف کرد. به عبارت دیگر وصف دینی نمی‌تواند صفت ذاتی علم باشد؛ البته وجود علوم دینی محرز است و این علوم در



مروری بر مهم‌ترین اظهارات و رویدادهای اندیشه‌محور در سال ۹۶

«اندیشه» در سالی که گذشت



کلاس درسی سال

در میان کلاس‌های مختلف درسی که امسال در حوزه مباحث علوم دینی و اسلامی بر گزار شد، یکی از پربارترین و جدیدترین آنها «کلاس درس سراج فقه معماری و شهرسازی ایتالله‌اراکي» بود که در این سلسله کلاس‌ها با نگاه به تمدن نوین اسلامی و بایسته‌های معماری و شهرسازی، به استخراج قواعد فقهی و اصول و ضوابط نظم شهری از دل آیات و روایات پرداخته بود. مشروح هر یک از این جلسات درس در فضای مجازی با یک جست‌وجوی ساده قابل مشاهده و مطالعه است.



پیشخوان سال

در حوزه مطبوعاتی اندیشه در سالی که گذشت پویایی و یزهای شاهد نبودیم. نشریات لیبرال همچنان به باز تولید محتوایی در نقد مارکسیسم یا دعوی زرگری با اندیشه و پروژه فکری سیدجواد طباطبایی مشغول بودند و در آن سوی میدان و در خیمه اندیشه انقلاب، نشریه‌ای مانند خردنامه همشهری که با تغییر رویکرد طی چندین شماره پیشین خود، اندک اندک جای خود را میان اهالی اندیشه‌باز می‌کرد، با نظر شهرادر جدید تهران و رئیس جدید مؤسسه همشهری، تعطیل شد. البته در مقابل نشریه عصر اندیشه که مدتی انتشار آن متوقف شده بود، با تغییر تیم سردبیری مجدداً به دک‌ها بازگشت. روزنامه‌ها نیز همچنان کم توجه به موضوع اندیشه، انتشار مطالب خود را در این حوزه ادامه دادند و البته با تغییر تیم رسانه‌ای روزنامه فرهیختگان، انتشار روزانه صفحه اندیشه با رویکرد محتوایی جدید، در دستور کار قرار گرفت.



فارابی سال!

جشنواره بین‌المللی فارابی ویژه تحقیقات علوم انسانی و اسلامی که با هدف شناسایی و ارتقای پژوهش‌های این حوزه توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و با همکاری دو سازمان بین‌المللی یونسکو و آیسسکو و برخی مراکز مهم علمی و پژوهشی داخلی بر گزار می‌شود، امسال در حوزه علوم سیاسی که یکی از پربحث‌ترین بخش‌های این جشنواره است، سیدجواد طباطبایی را به عنوان حائز مقام برتر در حوزه اندیشه سیاسی به خاطر چاپ نخستین جلد از کتاب «تاریخ اندیشه سیاسی جدید در اروپا» برگزید. روزنامه جوان در یادداشت‌هایی که در تاریخ ۲۸ تیر ماه امسال (ايرانشهر مدرنیته زده)، ۴ مرداد (اندیشه ایران‌شهری علیه ایدئولوژی دینی) و ۱۷ مرداد همین سال (نسخه خرد ایران‌شهری ما به ازای واقعی ندارد) در روزنامه منتشر شد (قابل دسترسی در آرشبو اینترنتی روزنامه) مفضلاً به نقد اندیشه سیدجواد طباطبایی پرداخت و نسبت اندیشه او را با تفکر اصلاح‌طلبان مورد بررسی قرار داد.

همه جا و به‌ویژه در کشور ما جایگاه ممتاز دارند اما آنها علوم‌ی هستند که مسائل‌شان مسائل دینی است. علوم فقه و اصول فقه و حدیث و تفسیر و کلام و حتی فلسفه اسلامی در زمره علوم اسلامی هستند. علم‌های دیگر هر یک مسائل خاص خود را دارند و با روش خاص به تحقیق و پژوهش در مسائل می‌پردازند و ملاک درستی و نادرستی‌شان رعایت روش است. هیچ علمی را با ملاک بیرون از آن نمی‌توان سنجید.»

این نامه کوتاه، موج پرتلاطمی در فضای فکری طرفداران و منتقدان علوم انسانی اسلامی برانگیخت. برخی این اظهارات را حمل بر توبه داوری‌اردکانی در نقد مبانی علم مدرن دانسته، برخی آن را با توجه به مواضع قبلی اردکانی غیر قابل قبول دانسته و گروهی نیز این پیام را به خستگی داوری‌اردکانی از تحمل مسیر پرفراز و نشیب حرکت به سوی علم اسلامی و تمدن دینی برشمردند. در این میان دبیرخانه همان همایش در نامه‌ای ضمن تشکر از نظرات وی،

اظهارات اردکانی را پاسخ داد که در بخشی از آن نامه با اشاره به ادعای اردکانی مبنی بر جدا بودن ذات دین و علم، آمده است: «بی‌تردید ماهیت دین غیر از علم است. دین از مصدری متعالی در اختیار بشر قرار گرفته و عروه‌الوقفی انسان در تعالی و استکمال نفس در نیل به مقام اخلاص و عبودیت است. اما علم، پدیده‌ای است بشری و البته از آن‌رو که «بی‌نسبت» با سایر قوای انسانی و همچنین شرایط اجتماعی و تاریخی نیست، بی‌تردید از عوامل معرفتی و غیر معرفتی متعددی متأثر می‌شود. همین مناسی «تأثیر است که می‌تواند صیغه‌ها و صورت‌های متعددی به علم بدهد و آن را متصف به صفاتی مانند علوم مدرن، علوم سنتی، علوم وهمی، علوم عقلی، علوم جزئی، علوم کلی و البته علوم دینی و علوم غیردینی کند.»

البته تداخل اظهارات داوری‌اردکانی با سخنان حسین روحانی در جشنواره فارابی و در نفی تفکیک علم به دو دسته دینی و غیردینی، در برجسته شدن این اظهارات بی‌تأثیر نبود.